



www.ketab.ir

انتشارات بهداد

سرشناسه : کری، مایک، ۱۹۵۹ - م.

Carey, Mike

دردان بهنام حاجی زاده، سمانه افشارحاتم؛ ویراستار نیما کهندانی.

مشتصات نشر : تهران: نشر بهداد، ۱۳۹۵ -

۲ : مصور(بخشی رنگی).

موضوع : داستان های انگلیسی -- قرن ۲۰ م..

یادداشت - عنوان اصلی : The girl with all the gifts, 2014.

شناسه افزوده : افشارحاتم، سمانه، مترجم

شابک بخشی : ۱ - ۲۶ - ۸۲۰ - ۶۰۰ - ۹۷۸ -

شناسه افزوده : ده، بهنام، ۱۳۷۱ - مترجم

رده بندی کنگره : ۹۵ : ۳۷۳۳/۳ PZ3

رده بندی دیویی : ۸۲۳/۶۱

شماره کتابشناسی ملی : ۳۹۴۰۱۴۴

دختري
The Girl
باتمام
With All
مرومها
The O Girl

کتاب دوم
مايک کري
بهنام حاجي زاده سمانه افشار حاتم
ويراستار: کژوان آهشيد
بازيبنی و تصحيح نهايي:
محمدرضا اميري
ناشر: بهداد
ليتوگرافي: نقره آبي
چاپ: الفبا
طراح و گرافيست: امين طالبي
صفحه آرا: نيما کهنداني
نوبت چاپ: اول، پاييز ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۲۰۳-۲۶-۱
قيمت: ۱۷۳۰۰ تومان

برای خوانندگان ایرانی

خیلی خوب با ایران و پیشینه‌ی تاریخی‌اش در مقام یکی از زنگاه‌های تمدن آشنایی دارم. چندین هزاره، ایران سرچشمه‌ای بوده است که انگار به صنایع بدیع از آن به سوی غرب جاری شده تا الهام‌بخش دانش‌دانان، فلاسفه و داستان‌سرایان یونان، روم و سایر ملل و سیاستمداران ما باشد. از این رو فرستادن داستان حقیرم به ایران حسی دارد همچون خدمت به انگلیسی اصطلاح آن «زغال سنگ به نیوکسل فرستادن» است. نکته اینجاست که نیوکسل در انگلستان مکان اصلی توزیع و فروش زغال سنگ بوده است و به زغال سنگ بیشتری نیاز ندارد.

ولی همه به داستان‌های بیشتری نیاز دارند. با داستان‌هاست که می‌فهمیم کی هستیم، از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم. بهترین داستان‌ها، چندین و چند قرن باقی می‌مانند، چرا که زاموش کردن‌شان ناممکن است و همچنان با زبانی با ما سخن می‌گویند که درک می‌کنیم. برای مثال هزار افسانه^۱، که اینجا در غرب (پس از بارها و بارها ترجمه و بازبینی و بازآفرینی) تبدیل به هزارویک شب شده است. حتی داستان‌هایی عاقبت بخشی از ژنوم ما به عنوان گونه‌ای زیستی می‌شوند. آن‌ها نه روی کاغذ بلکه بر وجود ما حک شده‌اند.

^۱ The Thousand Myths

یکی از بهترین دوستان من در دوران دانشگاه، مردی ایرانی به نام صباح دباغ و دانشجوی داروشناسی بود. یک بار به من گفت به نظرش زبان انگلیسی، زبانی بسیار مناسب و کارآمد برای مقالات علمی است، اما زبان فارسی، بی‌بروبگرد، بهترین زبان برای شعر و شاعری است. صباح درس خود را تمام نکرد. به خانه برگشت تا در مقابل عراق بجنگند (این اتفاق در سال ۱۹۸۵ رخ داد). ارتباطمان با یکدیگر قطع شد. هیچ نمی‌دانم آیا از جنگ جان سالم به در برد یا چه بر سرش آمد. هیچ‌وقت هم بحث‌مان به سرانجام نرسید، برای همین هیئت‌منصفه باید قضاوت کند.

در مصاحبه‌ها، از این فکر بسیار خرسند و خوشنودم که «دختری با تمام موهبت‌ها» را به زبان فارسی خواهند خواند و (امیدوارم) به زبان فارسی درباره‌ی آن بحث می‌کنند. نمی‌دانم آیا چیزی از آهنگ و قدرت متن‌های خودتان دارد یا نه؛ اما لطفاً آن را، اگر نه تکه‌ای زغال، شمعی بشمارید؛ شمعی که در پشت پنجره‌ای در دوردست‌ها، در دل شبی سیاه افروخته شده است.

نور برای دیدن اطراف کافی نیست. ولی آن‌قدر هست که بدانیم شخص دیگری آن بیرون است. هنر زیبا است. در تکاپوست. داستان‌هایی به او الهام بخشیده‌اند که مدت‌هاست، از طریق جاده‌هایی که نه شن و نه جنگ نتوانسته‌اند آن‌ها را مدفون کنند. از سرزمین پارس و عریستان به غرب آمدند و هرکجا که مردم آن‌ها را می‌فرستاد یا به آن‌ها گوش بدهند، سکنا خواهند گزید.

با بهترین آرزوها،

مایک کری